

حبيب راى تهرانى

# معرفى ديوان آيت الله سيد محمد جمال هاشمى گلياىگانى

موسوم به «مع النبى و آله عليهم السلام»

۱۰۷-۱۲۴

پژوهشگاه علوم انسانى و مطالعات فرهنگى  
پرتال جامع علوم انسانى

حبیب رائی تهرانی

**چکیده:** دیوان مع النبي وآله اثر سید محمد جمال هاشمی گلپایگانی از حیث محتوا و اختصاص برمدائح، مرثی و مناقب اهل بیت علیهم السلام از جایگاه ویژه ای برخوردار است. ایشان به دلیل سرودن قصیده بنت الخلود در نعت حضرت زهرا سلام الله علیها بین شعرای عرب، شهرتی عظیم دارد و اغلب اشعار وی که در این دیوان مندرج است، مورد استفاده مداحان در موالید و مآتم ائمه اطهار علیهم السلام است. نویسنده در نوشتار حاضر می کوشد قدمی در راستای آشنایی بیشتر مخاطبان با دیوان مذکور و شاعر آن بردارد. وی در راستای این هدف، نخست، مختصری از زندگی نامه هاشمی گلپایگانی، مؤلفات و دست نوشته های ادبی ایشان ارائه و در ادامه، به معرفی دیوان وی و نیز ذکر چند قصیده از آن، اقدام کرده است. بدین شیوه، به ابعاد ادبی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شخصیت شاعر پرداخته است.

**کلیدواژه:** محمد جمال هاشمی گلپایگانی، دیوان مع النبي وآله، دیوان الهاشمیات، دیوان شعر، معرفی کتاب، شاعر اهل بیت، مناقب اهل بیت، مدائح اهل بیت، مرثی اهل بیت، معرفی کتاب.

— Introducing Ayatollah Seyyed Muhammad Jamāl Hāshemi Gulpāyḡāni's *Divān* Known as *Ma'an-Nabi wa Āleh*

By: Habīb Rāthi Tehrāni

**Abstract:** *Ma'an-Nabi wa Āleh Divān*, written by Seyyed Muhammad Jamāl Hāshemi Gulpāyḡāni, is of particular importance due to its content and its focus on Ahl al-Bayt's virtues, and monodies. Hāshemi Gulpāyḡāni is really famous among the Arab poets because of his poem Bent ol-Khulood which was composed in the grace of Hazrat-e Zahra. Most of his poems which are included in this *Divān* are used by Maddāhs in Imams' births and mourning ceremonies. In the following article, the author tries to make the readers more familiar with this book and its poet. Regarding this, he first provides a brief account of Hāshemi Gulpāyḡāni's biographies, his literary works and manuscripts. Following this, He is going to introduce his *Divān* and also mention some of its odes. Therefore, he has discussed the cultural, literary, social, and political aspects of poet's personality here.

**Key words:** Muhammad Jamāl Hāshemi Gulpāyḡāni, *Ma'an-Nabi wa Āleh Divān*, *al-Hāshemiyyāt Divān*, collection of poems, book report, poet of Ahl al-Bayt, Ahl al-Bayt's marsiya, Ahl al-Bayt's virtues, Ahl al-Bayt's monodies.

استعراض دیوان (مع النبي وآله) لآية الله السيد محمد جمال الهاشمي گلپایگانی

حبیب رائی طهرانی

یتماز دیوان مع النبي وآله للسید محمد جمال الهاشمي گلپایگانی بکثرت الخفاصة والمميزة من حيث مضمونه الذي يختص بمدائح ومرثی ومناقب أهل البيت عليهم السلام.

وقد حظي الشاعر بشهرة واسعة بين أقرانه من الشعراء العرب بسبب نظمه لقصيدة (بنت الخلود) في مدح السيدة الزهراء سلام الله عليها، حتى صارت أغلب أشعاره الواردة في هذا الديوان تلقى على منابر الخطباء والمداحين في مجالسهم المقامة في مواليد الأئمة الأطهار عليهم السلام ومآتمهم.

والمقال الحالي يأتي في سياق رغبة الكاتب في تعميق معرفة القارئ بهذا الديوان وبسيرة صاحبه. وانسجاماً مع هدفه هذا يبدأ الكاتب بالتعريف بالديوان المذكور مع إشارات لبعض قصائده، ومن ثم بيان الأبعاد الأدبية والثقافية والاجتماعية والسياسية لهذا الشاعر.

المفردات الأساسية: محمد جمال الهاشمي گلپایگانی، ديوان مع النبي وآله، ديوان الهاشميات، ديوان الشعر، تعريف الكتاب، شاعر أهل البيت، مناقب أهل البيت، مدائح أهل البيت، مرثی أهل البيت.

# معرفی دیوان آیت الله سید محمد جمال هاشمی گلپایگانی

حبیب رائی تهرانی

## موسوم به «مع النبی و آله علیهم السلام»

قال الصادق (علیه السلام):

«مَنْ قَالَ فِينَا بَيْتَ شِعْرِ بَنِي اللَّهِ تَعَالَى لَهُ بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ»<sup>۱</sup>.

### اشاره

قدمت شعرای اهل بیت (علیهم السلام) به زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) باز می‌گردد. از نخستین شعرایی که برای پیامبر و دفاع از دین اسلام به شعرگفتن پرداختند، می‌توان به شیخ الأباطح حضرت ابوطالب (علیه السلام)، کعب بن زهیر بن اَبی سلمی و حَسَنان بن ثابت اشاره کرد. بعدها این سنت حسنه در اشعار شاعرانی چون فرزوق، کمیت بن زید اسدی، سید حمیری، دعبیل خزاعی، ابوفراس حمدانی، شریف رضی، ابن ابی الحدید، کشاجم، ناشئ صغیر، شرف الدین بوضیری و ابن عرندس حلّی ادامه یافت که اغلب شهرتشان به خاطر مدایح و مراثی بود که در شأن اهل بیت (علیهم السلام) سروده بودند. در میان متأخرین هم کم نیستند شاعرانی که حب اهل بیت (علیهم السلام) را دستمایه قدرت شعری خود قرار داده و چکامه‌های زیبایی چون قصیده کوثیه<sup>۲</sup>، قصیده انت العلی<sup>۳</sup>، قصیده مبارکه آزریه<sup>۴</sup>، قصیده أبا الزهراء<sup>۵</sup> و قصیده مؤشحه مولودیه امیرالمؤمنین (علیه السلام)<sup>۶</sup> و غیره را سروده‌اند. در این میان دیوان مع النبی و آله (علیهم السلام) اثر طبع آیت الله سید محمد جمال هاشمی گلپایگانی از حیث محتوا و اختصاص بر مدائح، مراثی و مناقب اهل بیت (علیهم السلام) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. آیت الله سید محمد جمال هاشمی گلپایگانی به دلیل سرودن قصیده زیبای «بنت الخلود» در نعت حضرت زهرا (سلام الله علیها) بین شعرای عرب شهرتی عظیم دارد و اغلب اشعار وی که در این دیوان مندرج است، مورد استفاده مداحان در موالید و ماتم ائمه اطهار (علیهم السلام) است. این مقاله بر آن است تا قدمی چند در راستای آشنایی بیشتر خوانندگان گرامی نشریه آینه پژوهش با این دیوان و شاعر فقید آن بردارد.

۱. وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، الشیخ محمد بن الحسن الحر العاملی، عنی بتصحیحه و تحقیقه و تزییله الفاضل المحقق الشیخ عبدالرحیم الریاضی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، الجزء الثالث من المجلد الخامس، مجلد ۱۰، ص ۴۶۷. (کتاب الحج، ابواب العزار و ما یناسبه، باب ۱۰۵ استحباب مدح الأئمة (علیهم السلام) بالشعر و زئانهم به و انشائه فیهم، و لوفی شهر رمضان و یوم الجمعة و فی اللیل، الحدیث الأول)

۲. سروده سید رضا هندی نجفی به مطلع: أَفَلَمْ یَجْعَلْ نَعْرَکَ أُمَّ جَوْهَرٍ / وَ زَحِیقُ رِضَابِکَ أُمَّ سُرَّ

۳. از قصاید زیبای عبدالباقی العمری در دیوان وی موسوم به التریاق الفاروقی به مطلع: أَنْتَ الْعَلِیُّ الَّذِی فَوْقَ الْعَلِیِّ رُفْعًا / یَنْظُرُ مَنَّةً وَ نَشْطَ الْبَیْتِ إِذْ وَضِعًا

۴. قصیده‌ای در ۵۸۷ بیت سروده شیخ محمد کاظم آزری بغدادی متوفای غره جمادی الأولى سال ۱۲۱۱ هجری به مطلع: لَمَنِ الشَّمْسُ فِی قِنَابٍ قِنَابًا / شَفَّ جِسْمُ الدُّجَى بِرُوحِ ضِیَائِهَا. این قصیده در اصل الفیه بوده و هزار بیت داشته، ولی متأسفانه بخشی از آن را موریا نه خورده و تنها همین ۵۸۷ بیت به دست ما رسیده است.

۵. سروده امیرالشعراء احمد شوقی به مطلع: سلوا قلبی غداً سلا و تابی / لعلّ علی الجمال له عتابا که در دیوانش با نام «ذکر المولد» آمده، ولی به دلیل وجود بیت ذیل به نام ابا الزهراء نیز اشتها دارد: ابا الزهراء، قد جاوزت قدری / بمدحک یتید أن لی انتساباً (دیوان شوقی، تصحیح رشید حبیب الأشقر، دار صادر، بیروت، ج ۱، ص ۶۱-۵۸)

۶. سروده حاج میرزا اسماعیل شیرازی متوفای ۱۳۰۵ هجری به مطلع: رَغَدَ الْعِیْشُ فَرْدَهُ رَغْدًا / بِسُلَافٍ مِنْهُ تَشْفِی سَقَمِی (الغدیر، طبع دارالکتب الاسلامیه، ج ۶، ص ۳۲-۲۹)



آیت‌الله سید محمد جمال الهاشمی به دست‌نویس آیت‌الله العظمی سید محسن حکیم مشنوی معنوی را به شعر عربی برگرداند.

### شاعر

آیت‌الله سید محمد جمال هاشمی گلپایگانی عالم جلیل، فقیه و شاعر توانا، فرزند مرجع عالی قدر حضرت آیت‌الله سید جمال الدین هاشمی گلپایگانی از نوادگان سید ابراهیم مجاب<sup>۷</sup> نوه امام موسی کاظم (علیه السلام) در شب بیستم محرم الحرام سال ۱۳۳۲ هجری<sup>۸</sup> در بیت علم و ادب و فقاقت در شهر نجف اشرف دیده به جهان گشود. از دوران کودکی وارد حوزه علمیه نجف شد و ادبیات را نزد مرحوم شمس تبریزی و شیخ محمد تقی اصفهانی، مقدمات اصول را از شیخ محمد رضا مظفر، کفایه را نزد میرزا محمد عراقی و رسائل را نزد مرحوم آیت‌الله میرزا حسن بجنوردی فراگرفت. همچنین دروس سطح و خارج را تا رسیدن به درجه اجتهاد نزد اساتیدی چون آقاضیاء عراقی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و پدر مکرمش فراگرفت و از ملازمان امام کاشف الغطاء، شیخ مرتضی طالقانی و آیت‌الله سید علی قاضی طباطبایی (قدس الله اسرارهم) بود. ایشان از طرف پدر بزرگوارشان و مرحوم آقاضیاء عراقی و مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی اجازه اجتهاد داشت. پس از کسب این علوم به جرگه مجتهدان و مدرسان و ادیبان نامی نجف اشرف پیوست و عهده‌دار تدریس علوم مختلفی چون فقه و اصول و تفسیر و فلسفه و ادبیات در حوزه نجف شد. همچنین ایشان

از خواص اصحاب مرجع عالی قدر حضرت آیت‌الله سید محسن حکیم به شمار می‌رفت. از دوران نوجوانی بارقه شعر در وجودش درخشیدن گرفت و به مناسبت‌های اجتماعی، ادبی و مذهبی اشعاری را می‌سرود. او به دلیل سرعت بدیعه سرایی در نظم شعر توانست سرآمد شاعران زمان خود در عراق شود. او در مجامع ادبی و مذهبی آن زمان نجف اشرف حضوری فعال داشت و با تدریس در مدارس «جمعية منتدی النشر» و «جمعية الرابطة الادبية» به تربیت شاگردان و فضلا در حوزه‌های دینی و ادبی می‌پرداخت. همچنین ارتباطی قوی با مجله «الهاتف» داشت و بیشتر اشعار و قصاید او در آن جریده منتشر می‌شد. مرحوم آیت‌الله سید محمد جمال الهاشمی سال‌ها به جای پدرشان در شمال غربی صحن مطهر علوی اقامه نماز جماعت مغرب و عشاء نموده و سرپرستی کارها و شئون شرعیه متدینان و مقلدان پدر را هم عهده‌دار بود. وی در هنگام ظهر نیز امام جماعت مسجد بالاسر مبارک واقع در داخل صحن مطهر علوی و همچنین عهده‌دار منصب امامت جماعت نماز صبح در داخل روضه شریفه علویه در کنار مضجع نورانی امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود.

برادران سید محمد جمال آقایان سید احمد، سید علی و سید حسین همگی از ایشان کوچک‌تر بودند و پسران ایشان به ترتیب عبارتند از: آقایان سید حسن، سید هاشم، سید محسن، سید ضیاء (شهید)، سید جمال و سید صالح هاشمی گلپایگانی. همچنین

۷. ابراهیم المجاب بن محمد العابد بن الإمام موسی الكاظم (علیه السلام) مشهور به «ضری کوفی» که مرقد وی در رواق غربی حرم امام حسین (ع) در کربلا قرار دارد.  
۸. سال‌های ذکرشده در این مقاله همگی بر اساس هجری قمری هستند.

از برجسته‌ترين شاگردان ايشان مى‌توان به حجج اسلام: شيخ باقر ناصرى، سيد حسن شبر و شيخ على كورانى اشاره كرد.

ايشان علاقه شديدى به شهر نجف اشرف داشت و جز براى چند بار سفر به ايران و البته سفرهاى حج، هيچ‌گاه از آن شهر خارج نشد و عليرغم جَوّ خفقان و استبدادى كه در زمان حكومت حزب بعث در عراق حكم فرما بود و بسيارى از علما را مجبور به تبعيد و مهاجرت به كشورهاي ديگر مى‌كرد، ايشان ضمن قصيده‌اى موسوم به «نذير الهجره»<sup>۹</sup> از تعلق قلبى و روحى خود به نجف اشرف و اميرالمؤمنين (عليه السلام) صحبت مى‌كند و دور شدن از آن خطه پاك را برابر با رانده شدن از بهشت مى‌شمارد.

سرانجام ايشان در ماه ربيع‌الاول سال ۱۳۹۷ هجرى<sup>۱۰</sup> در ۶۵ سالگى در شهر نجف اشرف در حالى كه براى اقامه نماز جماعت عشاء در راه حرم مطهر اميرالمؤمنين (عليه السلام) بود بر اثر سكته قلبى با دار فانى وداع كرد و به رحمت الهى پيوست و در قبرستان وادى السلام نجف در جوار پدر بزرگوارشان به خاک سپرده شد. شعر زير در ماده تاريخ سال وفات ايشان گفته شده است:

لَمَّا مَضَى أُنْجُ «لَهُ  
إِخْتَارَ إِلَهُ مُحَمَّدًا»<sup>۱۱</sup>

### مؤلفات ايشان

غير از ديوان مع النبى و آله كه اين مقاله قصد معرفى آن را دارد، ساير مؤلفات ايشان به شرح ذيل از مقدمه ديوان فوق ذكر مى‌شود:

۱. الأذب الجديد، در چهار جلد كه در او ايل جوانى در نجف چاپ كرده‌اند و سال چاپ ندارد و شايد مربوط به سال ۱۳۵۶ هجرى باشد.

۲. الأذب القديم، زندگى هفتصد شاعرا با نمونه‌هايى از اشعار آنها

۹. ديوان مع النبى و آله، ص ۳۳۰.

۱۰. جعفر الخليلى در كتاب هكذا عرفتيم، تاريخ وفات ايشان را ۲۹ محرم سال ۱۳۹۷ هجرى و تاريخ تشييع و دفن وى را در كنار پدر بزرگوارش يكم صفر همان سال نقل كرده است، ولى با توجه به ماده تاريخ مذكور، قول نويسنده مقدمه ديوان صحيح است.

۱۱. ماده تاريخ سال وفات ايشان از جمع اعداد ابجد حروف لَه... إِخْتَارَ إِلَهُ مُحَمَّدًا (۱۳۹۷ = ۴+۱+۴+۸+۴+۵+۳+۱+۳+۱+۲+۲+۴+۶+۱+۵+۳) به دست مى‌آيد كه با توجه به معنای بيت ماه وفات را نيز مى‌توان فهميد. حاصل معنای بيت اين است: زمان درگذشت او را در تاريخى ثبت كن كه خداوند حضرت محمد صلى الله عليه و آله و سلم را در آن تاريخ اختيار كرد (يعنى ماه ربيع‌الاول) و اين ماده تاريخ در فن سرايش و نگارش ماده تاريخ بديع است؛ زيرا هم به سال و هم به ماه وفات اشاره دارد. در اين زمينه تاكنون بهترين و بديع‌ترين ماده تاريخ موجود، ماده تاريخ وفات علامه مجلسى متوفى ۲۷ رمضان سال ۱۱۱۰ هجرى است كه به صورت زير سروده شده است: «ماه رمضان چوبيست و هفتش كم شد / تاريخ وفات باقر اعلم شد» كه هم به روز و هم به ماه و سال وفات وى دلالت تام دارد؛ زيرا وقتى از جمع ابجد حروف «ماه رمضان» كه ۱۱۳۷ است، عدد ۲۷ را كم كنيم، عدد باقى مانده ۱۱۱۰ مى‌شود كه همان سال وفات مرحوم مجلسى است.

در آن گردآوری شده است.

۳. الزهراء عليها السلام من سلسلة حديث الشهر، چاپ بغداد،

۱۳۶۹

۴. مشكلة الإمام الغائب، نجف، ۱۳۷۸

۵. المرأة و حقوق الإنسان، كربلا، ۱۳۸۰

۶. اسلام فى صلاته و زكاته، نجف، ۱۳۸۱

۷. اصول الدين الاسلامى، نجف، ۱۳۸۲

۸. هكذا عرفت نفسى، نجف، ۱۳۹۲ درباره آراء وى در خصوص

اخلاق و زندگى است.

۹. شيخ الشريعة؛ درباره احوال و آثار شيخ طوسى، يادگار هزاره

شيخ طوسى، مركز تحقيقات و مطالعات دانشكده الهيات و

معارف اسلامى دانشگاه مشهد، مشهد، بى‌تا (احتمالاً ۱۳۴۹ شمسى)، چاپ شده به مناسبت كنگره هزاره شيخ طوسى.

۱۰. حكايات و عبر من المثنوي: به توصيه مؤكد حضرت آيت الله

سيد محسن حكيم (ره)<sup>۱۲</sup> آيت الله سيد محمد جمال الهاشمى

بخش‌هايى از حكايات مثنوى معنوى مولانا را به عربى منظوم

ترجمه كرد كه پس از مرگش در سال ۱۴۱۶ هجرى (۱۹۹۵ ميلادى)

تحت عنوان «حكايات و عبر من المثنوي» در يك مجلد از سوى

انتشارات دارالحق بيروت در ۳۲۵ صفحه منتشر شده است. از

ويژگى‌هاى اين كتاب آن است كه مترجم كوشيده قافيه را در هر

بيت بنا بر اصل شعر فارسى آن حفظ كند كه اين كار بى‌شك امر

ترجمه منظوم را بسيار دشوار ساخته است.

۱۱. الأخلاق فى ضوء القرآن الكريم، چاپ نشده

۱۲. حاشيه بر منطق ملاعبدالله، چاپ نشده

۱۳. حاشيه بر مطول، چاپ نشده

۱۴. حاشيه بر كفايه آخوند خراسانى، چاپ نشده

۱۵. حاشيه بر رسائل شيخ انصارى، چاپ نشده

۱۶. حاشيه بر مكاسب، چاپ نشده

۱۷. تقريرات بحث محقق عراقى، چاپ نشده

۱۸. تقريرات بحث‌هاى پدر بزرگوارشان، چاپ نشده

۱۹. رسائلى در مهم‌ترين مباحث اصولى، چاپ نشده

۲۰. تفسير قرآن كريم كه در جمع شاگردان و علاقه‌مندان ايشان

در نجف اشرف گفته شده و بعضى قسمت‌هاى آن در مجلات

۱۲. ترجمان ريخ‌هاى محرومان، اكبر ثبوت، روزنامه اطلاعات، ۲۶ فروردين ۱۳۹۷.

الأضواء والإيمان وغيره به چاپ رسیده است.

۲۱. الأدلة الشرعية عند الإمامية، چاپ نشده

۲۲. أصول فقه، چاپ نشده

### دست نوشته های ادبی

از آنجا که مرحوم هاشمی گلپایگانی بسیار به خواندن اشعار کهن و جدید علاقه مند بود، نوشته های بسیاری از منتخبات شعری ایشان باقی مانده است؛ زیرا در خلال مطالعات و تحقیقات خود هرگاه به شعری می رسید و آن را پسندیده می یافت، از یادداشت آن دریغ نمی کرد و بدین ترتیب دفترچه های بسیاری از شاهکارهای شعری و قصاید درخشان شعرای قدیم و جدید به همراه اشعار خود ایشان که مناسبت های مختلف مذهبی و ادبی سروده شده موجود می باشد که در اینجا به هفت مورد از آنها اشاره می شود. همچنین نویسنده کتاب هکذا عرفتم نقل می کند که وی صاحب اراجیز بسیار زیادی در علوم مختلف مانند فلسفه و علم اخلاق و... است که تعداد آنها بالغ بر صدها ارجوزه می شود و سپس ابیاتی چند از ارجوزه وی که در شرح سفر حج و مناسک آن سروده شده را می آورد.<sup>۱۳</sup>

### ۱. دیوان الهاشمی

ایشان در کتاب «هکذا عرفتم نفسی» متذکر این دیوان شده و درباره آن نوشته اند: دیوان الهاشمی شامل سه جزء است که شامل قصاید بسیار زیادی می شود که به مناسبت های مختلف سروده شده است و دیوان حاضر یعنی «مع النبی و آله علیهم السلام» تنها یک جزء از آن دیوان بزرگ است که اشعار آن به اهل بیت (علیهم السلام) اختصاص دارد و باقی اجزا در خصوص مناسبات مذهبی و اغراض ادبی و غیره سروده شده است.

### ۲. الأوتار

اوتار نوع خاصی از اوزان شعری است که خاقانی صاحب کتاب شعراء الغری درباره آن این چنین می گوید:

هاشمی در سرایش اوتار خود ما را با نوع و سبک جدیدی از انواع ادب نجفی آشنا ساخت به طوری که روح و طبع شاعری وی به جایی رسید که کمتر شاعر نجفی دیگری را بدان راه بود و به تحقیق، راه آن سبک و شیوه را با منتهای استادی و ظرافت و وسعت خیال طی کرد و آن را به نام خود به ثبت رساند و بر خواننده است تا به قطعه آغازین این دیوان جاودان با عنوان «فاتحه» بنگرد تا به عمق شاعری و استادی وی پی ببرد؛ شعری که مطلعش این است:

هذه الأوتارُ قد أزهَمُها للفرقِ حَبِيبي  
فَإِذَا وَقَعْتُهَا تَسْمَعُ مِنْهَا لَحْنَ نَفْسِي<sup>۱۴</sup>

و سپس به ذکر سایر ابیات این قصیده می پردازد.<sup>۱۵</sup>

### ۳. الأنعام<sup>۱۶</sup>

مجموعه ای است مشتمل بر مؤشحات<sup>۱۷</sup> مختلف که شاعر به مناسبت های مختلف آنها را به نظم کشیده

۱۳. هکذا عرفتم، جعفر الخلیلی، ج ۷، ص ۸۱.

۱۴. نقل به مضمون: این تارهای سازی است که احساس من آنها را برای ایراد شعر و نغمه کوک کرده و تیز گردانیده است، پس هرگاه که آنها را بنوازم یا به صدا درآورم، لحن و آواز روح مرا از آن خواهی شنید.

۱۵. شعراء الغری، ج ۱۱، ص ۹.

۱۶. جمع نَعَم و به معنای سرودگفتن در غنا یا سخن آهسته است. (از لغت نامه دهخدا)

۱۷. صنعتی است در شعر که اگر یک حرف از سر هر مصرع یا هربیت عیناً یا به تصحیف گرفته و با هم جمع کنند، اسم شخص یا مصرعی حاصل شود. (حدائق السحرفی دقائق الشعر، رشیدالدین و طواط، تصحیح استاد عباس اقبال آشتیانی، انتشارات کتابخانه سنایی، کتابخانه طهوری، ۱۳۶۲، صفحه ۶۰)



و آن را انغام نامیده است.

#### ۴. دیوان الأراجیز

مشمول بر ارجوزه<sup>۱۸</sup> های شعری در موضوعات مختلف است.

#### ۵. ملحمة الجیل

قصیده ای است مشتمل بر ۷ بیت که همگی در یک وزن و قافیه و در خصوص مناقشه با مذاهب نوظهور و رد آنها سروده شده است.

#### ۶. تاریخ الأدب العربی

شامل دروسی می شود که ایشان طی سال ها در مدارس «جمعیة منتدی النشر» به دانشجویان و دانش آموزان تدریس نموده و تا آخر عصر عباسی دوم را شامل می شود.

#### ۷. مختاراته الشعریة

مجموعه ای است عظیم مشتمل بر منتخبات ایشان از قصاید شعرای قدیم و جدید که قسمت شعرای معاصر خود شامل پنج بخش است. ایشان در آنجا به قدری از قصاید شعرای معاصر خود جمع نموده که بعضاً ادبا و محققینی که در صدد تدوین دیوان شعرای معاصر هستند، برای یافتن برخی قصاید شاعر، بی نیاز از مراجعه به این یادداشت ها نیستند؛

زیرا این پنج مجموعه شامل قصاید و اشعاری است که چه بسا در نزد اصحاب خاص آن شاعر نیز یافت نمی شود.

علاقه مندان برای آشنایی بیشتر با زندگی و سایر جنبه های علمی، اجتماعی و ادبی مرحوم آیت الله سید محمد جمال هاشمی گلپایگانی می توانند به کتاب های «شعراء الغری»<sup>۱۹</sup>، «هكذا عرفتهم»<sup>۲۰</sup> مستدرکات اعیان الشیعة<sup>۲۱</sup> و السید محمد جمال الهاشمی: حیات و ادبه و مختارات من شعره<sup>۲۲</sup> مراجعه فرمایند.

#### معرفی دیوان

نام دیگر این دیوان «الهاشمیات» است که بنا بر قول شاعر در مقدمه آن که به تاریخ ۱۵ ذی قعدة سال ۱۳۹۰ نگارش یافته، اختصاص به ذکر مناقب و مدائح و مراثی اهل البیت (علیهم السلام) دارد. دیوان وی برای نخستین بار توسط خود شاعر در اواخر عمر جمع بندی، تبویب و تنسیق شده و شاعر پس از مرتب کردن قصائد و نوشتن تاریخ نظم و ذکر مناسبت ها و عناوین هر کدام، آن را «الهاشمیات» یا «مع النبی و آله» نامیده است. این دیوان برای نخستین بار در سال ۱۴۰۶ هجری (۱۳۶۴ شمسی) با عنوان «مع النبی و آله؛ دیوان السید محمد جمال الهاشمی» در قطع رقعی در دو جلد در چاپخانه سپهر تهران به زیور طبع آراسته شده است و نسخه ای که هم اکنون در اختیار راقم این سطور بوده و از طرف حضرت حجت الاسلام و المسلمین سید حسن هاشمی گلپایگانی فرزند بزرگ شاعر به اینجانب اهدا شده، چاپ دوم آن است که

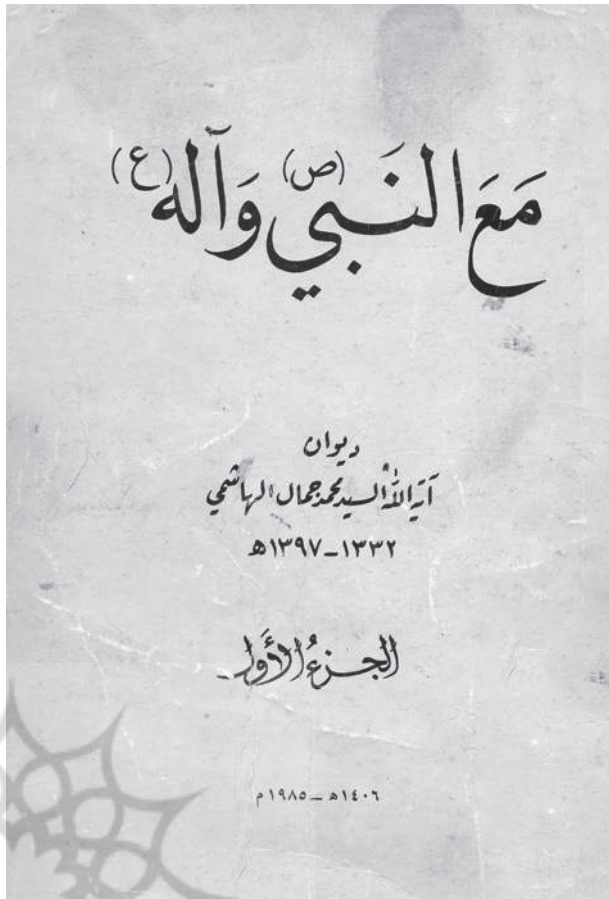
۱۸. ارجوزه شعری را گویند که در بحر جز گفته شده باشد و معمولاً اشعار جنگی در این بحر گفته می شد. وزن بحر جزشش بار مستغفلن است و این بحر به سبب نزدیکی اجزاء و کسر حروف آن بدین نام نامیده شده است. (از لغت نامه دهخدا)

۱۹. شعراء الغری او النجفیات، الشیخ علی الخاقانی، مکتبة آیة الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۸ هجری، قم، ایران، ج ۱۱، ص ۸۹-۳.

۲۰. هكذا عرفتهم، جعفر الخلیلی، انتشارات المکتبة الحیدریة، ۱۴۲۶ هجری، قم، ایران، ج ۷، ص ۷۳-۹۴.

۲۱. مستدرکات اعیان الشیعة، سید حسن الامین، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، لبنان، ۱۴۰۸ هجری، ج ۱، ص ۱۵۵.

۲۲. السید محمد جمال الهاشمی: حیات و ادبه و مختارات من شعره، السید عبدالهادی الشریفی، قم: انتشارات ادبیات، ۱۳۹۵.



في رثاء أبي الفضل العباس (عليه السلام)؛ هفت قصیده  
 في رثاء مسلم بن عقيل (عليه السلام)؛ دو قصیده  
 في رثاء سيدتنا زينب (سلام الله عليها)؛ چهار قصیده  
 في رثاء علي الأكبر (عليه السلام)؛ یک قصیده  
 في رثاء القاسم بن الحسن (عليه السلام)؛ یک قصیده  
 في رثاء بني هاشم في كربلاء؛ دو قصیده  
 في رثاء شهداء الطفوف؛ دو قصیده  
 في رثاء الرضيع؛ یک قصیده  
 في السبايا؛ سه قصیده  
 مع سائر الأئمة الأطهار (عليهم السلام)؛ ۱۴ قصیده  
 ملحقات الديوان؛ ۱۲ قصیده

در کل این دیوان با احتساب قصیده مناجاتی‌ه آغازین آنکه از دیوان الأوتار شاعر به مطلع:

مبدأ الكون، لك الكون و ما فيه يعود  
 أنت ما أنت وجودٌ منه قد فاض الوجود<sup>۲۳</sup>

نقل شده، دارای ۱۳۵ قصیده است. در ادامه به برخی مشهورترین قصاید این دیوان مانند قصیده «بنت الخلود» و سایر قصایدی که در ابنیه مشاهد مشرفه به کار رفته است؛ همچو قصیده «ضریحک» و «باب الخلود»، «حول ساعة الصحن الحیدری» و... اشاره شده و همچنین به قصیده وی در رثای پروین اعتصامی و برخی اشعاری که به مناسبات اجتماعی اشاره دارد پرداخته خواهد شد.

### قصیده بنت الخلود

ایشان قصیده راثیه ۲۴ بیتی بنت الخلود را به مناسبت میلاد حضرت زهرا (سلام الله علیها) در جمادی الثانی سال ۱۳۶۲ هجری سروده است و در آن پس از ذکر عظمت و مقام قدسی حضرت زهرا (س) به مظلومیت آن حضرت نیز اشاره دارد. اینک این قصیده مبارکه و ترجمه آن را با هم می‌خوانیم:

۱. سَعَتْ فَلَا الشَّمْسُ تَحْكِيهَا وَلَا الْقَمَرُ زَهْرًا مِنْ نُورِهَا الْأَكْوَانُ  
 تَزْدَهْرُ

پرتوافکنند، ولی نه خورشید و نه ماه را یارای آن است که با نور او برابری کنند؛ زهرایی که از نور او تمام کائنات درخشیدن گرفت.

۲۳. در دیوان الأوتار این قصیده تحت عنوان «الله» درج شده و قبل از مطلع آن شاعرانگیزه سرودن آن را چنین عنوان می‌کند: قطره‌ای با آب دریا ممزوج می‌شود، سپس به ساحل می‌افتد و با یاد خاطرات پاک و مقدسش همواره با آهنگ‌های سوزناک و چشم‌گریبان برای خود مرتبه‌سرای می‌کند و می‌گوید...؛ سپس متن قصیده را که مناجاتی زیبا با حق تعالی است را می‌آورد. (شعراء الغری، ج ۱۱، ص ۱۱)

شامل اضافاتی بر چاپ اول بوده و در سال ۱۴۳۲ هجری (۱۳۹۰ شمسی) توسط مؤسسه آل المرتضی در قم در ۳۶۵ صفحه و در یک مجلد در قطع وزیری با ذکر عبارت «طبعة مزیدة و منقحة» در روی جلد به حلیه طبع آراسته شده است.

بنا بر مقدمه چاپ دوم دیوان، اشعاری که پس از چاپ نخست آن یافت شده به صورت ملحقات به انتهای دیوان اضافه گشته و هیچ تغییری در ترتیب قصائد مرتب شده توسط شاعر داده نشده است. دیوان فعلی در هفت بخش اصلی تدوین شده است که هر بخش مربوط به یکی از اهل بیت (علیهم السلام) بوده و خود به بخش‌های فرعی دیگری تقسیم شده است. فصول این دیوان عبارت‌اند از:

- مع النبي صلى الله عليه وآله وسلم؛ ۹ قصیده
- مع الزهراء عليها السلام؛ دو قصیده
- مع الامام اميرالمؤمنين (عليه السلام)؛ ۹ قصیده
- الغدريات؛ ۲۳ قصیده
- مع الامام الحسن (عليه السلام)؛ هفت قصیده
- مع الامام الحسين (عليه السلام)؛ ۱۴ قصیده
- في رثاء الامام الحسين (عليه السلام) و شهداء كربلاء؛ ۲۰ قصیده





۲. بِنْتُ الخُلُودِ لَهَا الأَجْيَالُ خَاشِعَةٌ / أُمُّ الزَّمَانِ إِلَيْهَا تَنْتَبِي العُصْرُ  
او دختر جاودانگی است که نسل‌ها برایش سرفروند می‌آورند و اوست مادر روزگار که حیات همه اعصار و قرون بدو وابسته است.

۳. رُوحُ الحَيَاةِ، فَلَوْلَا لُطْفُ عُنْصُرِهَا / لَمْ تَأْتَلِفْ بَيْنَنَا الأَزْوَاجُ وَالصُّورُ  
اوروب زندگی است که اگر لطف جوهر وجودی وی نبود، هیچ‌گاه ارواح و صورت‌های ما به هم نمی‌پیوست (و به عالم وجود پای نمی‌گذاشتیم).

۴. سَمَتْ عَنِ الأفقِ، لا رُوحَ و لا مَلَكٌ / وَ فَاقَتِ الأَرْضُ، لا جِنٌّ وَ لا بَشَرٌ  
از افق بالا گرفت، در حالی که نه روح بود و نه فرشته و در زمین از همگان برتری داشت، در حالی که نه جن بود و نه بشر.

۵. مَجْبُولَةٌ مِنْ جَلالِ الله طِينَتُهَا / يَرْفُ لُطْفًا عَلَيْهَا الصُّونُ وَ الخَفَرُ  
گوهر وجودش از شکوه و جلال الهی سرشته شده است و پاکدامنی و حیا بر لطافت طبع و بزرگواری او می‌افزاید.

۶. مَاعَابَ مَفْعَزُهَا التَّأْنِيَتْ أَنْ يَهَا / عَلَى الرِّجَالِ نِسَاءُ الأَرْضِ نَفْتَخِرُ  
افتخاری به زن بودن عیبی برایش نیست؛ چراکه زنان روی زمین به خاطر او بر مردان فخر می‌فروشند و مباحات می‌کنند.

۷. خِصَالُهَا العُرْجُ جَلَّتْ أَنْ تَلُوكَ بِهَا / مِمَّا المَقَاوِلُ أَوْ تَدُونُهَا الفِكْرُ  
خصلت‌های درخشان او برتر از آن است که بر زبان‌ها جاری شود یا اندیشه‌های بشری بدان نزدیک گردد.

۸. مَعْنَى التُّبُوَّةِ، سِرُّ الوَحْيِ، قَدْ نَزَلَتْ / فِي بَيْتِ عِصْمَتِهَا الأَيَاتُ وَ السُّورُ  
او معنای نبوت و سرّوحی است و کسی است که آیات و سوره‌های قرآن در خانه پاک او بر پیامبر (ص) نازل شده است.

۹. حَوَتْ خِلالَ رَسولِ الله أَجْمَعِهَا / لَوْلَا الرِّسَالَةُ سَاوَى أَصْلُهُ التَّمَرُ  
تمام ویژگی‌های پیامبر (ص) را داراست و اگر رسالت پیامبر (ص) نمی‌بود، میوه درخت با خود درخت [از نظر فضیلت و جایگاه] برابر می‌گشت.

۱۰. تَدَرَّجَتْ فِي مَرَاقِي الحَقِّ عَارِجَةٌ / لِمَشْرِقِ النُّورِ حَيْثُ البَسْرُ مُسْتَتِرٌ  
به درجات بلند حق عروج کرده و تا مبدأ نور، جایی که سرنهانی در آن قرار دارد، بالا رفت.

۱۱. ثُمَّ أُنْتَهَتْ تَمَلُّاً الدُّنْيَا مَعَارِفُهَا / تَطْوِي القُرُونُ عِيَاءً وَ هِيَ تَنْتَشِرُ  
سپس بازگشت و معارف او تمام جهان را پر کرد و در حالی که جهان از درماندگی به خود می‌پیچد، معارف او در حال گسترش و انتشار است.

۱۲. قُلْ لِلذِّي رَاحَ يُخْفِي فَضْلَهَا حَسَدًا / وَجْهَهُ الحَقِيقَةُ عَنَّا كَيْفَ يُسْتَتِرُ  
به کسی که از روی حسادت در پی مخفی کردن فضائل اوست، بگو چگونه چهره حقیقت از ما پوشیده می‌ماند؟

۱۳. أَتَقْرُنُ النُّورَ بِالظُّلْمَاءِ مِنْ سَفَهٍ؟ / مَا أَنْتَ فِي القَوْلِ إِلا كَاذِبٌ أُتِرُ  
آیا از روی نادانی و سفاهت نور و ظلمت را با هم برابر می‌گردانی؟! تو در این گفتارت جز دروغ‌گویی سبک‌سرنیستی.

۱۴. بِنْتُ النَّبِيِّ الَّذِي لَوْلَا هِدَايَتُهُ / مَا كَانَ لِلْحَقِّ لَاعِينٌ وَ لا أَتْرُ  
اودخت پیامبری است که اگر هدایت و رهبری او نبود، نه از اصل حق و حقیقت خبری بود و نه از آن نشانه و اثری باقی می‌ماند.

۱۵. هِيَ الَّتِي وَرِثَتْ حَقًّا مَفَاخِرَهُ / وَ العِظْرُ فِيهِ الَّذِي فِي الوَرْدِ مَذْخَرُ  
به‌راستی که تنها او وارث مفاخر پیامبر (ص) است و عطری که در وجود پیامبر (ص) بود همانی است که در گل [وجود حضرت زهرا (س)] ذخیره شده است.

۱۱. ثُمَّ أُنْتَهَتْ تَمَلُّاً الدُّنْيَا مَعَارِفُهَا / تَطْوِي القُرُونُ عِيَاءً وَ هِيَ تَنْتَشِرُ  
سپس بازگشت و معارف او تمام جهان را پر کرد و در حالی که جهان از درماندگی به خود می‌پیچد، معارف او در حال گسترش و انتشار است.

۱۲. قُلْ لِلذِّي رَاحَ يُخْفِي فَضْلَهَا حَسَدًا / وَجْهَهُ الحَقِيقَةُ عَنَّا كَيْفَ يُسْتَتِرُ

به کسی که از روی حسادت در پی مخفی کردن فضائل اوست، بگو چگونه چهره حقیقت از ما پوشیده می‌ماند؟

۱۳. أَتَقْرُنُ النُّورَ بِالظُّلْمَاءِ مِنْ سَفَهٍ؟ / مَا أَنْتَ فِي القَوْلِ إِلا كَاذِبٌ أُتِرُ  
آیا از روی نادانی و سفاهت نور و ظلمت را با هم برابر می‌گردانی؟! تو در این گفتارت جز دروغ‌گویی سبک‌سرنیستی.

۱۴. بِنْتُ النَّبِيِّ الَّذِي لَوْلَا هِدَايَتُهُ / مَا كَانَ لِلْحَقِّ لَاعِينٌ وَ لا أَتْرُ  
اودخت پیامبری است که اگر هدایت و رهبری او نبود، نه از اصل حق و حقیقت خبری بود و نه از آن نشانه و اثری باقی می‌ماند.

۱۵. هِيَ الَّتِي وَرِثَتْ حَقًّا مَفَاخِرَهُ / وَ العِظْرُ فِيهِ الَّذِي فِي الوَرْدِ مَذْخَرُ  
به‌راستی که تنها او وارث مفاخر پیامبر (ص) است و عطری که در وجود پیامبر (ص) بود همانی است که در گل [وجود حضرت زهرا (س)] ذخیره شده است.

۱۶. فِي عِيدِ مِيلَادِهَا الْأَمْلاكَ حَافِلَةً / وَالْحَوْزُ فِي جَنَّةِ الْعُلْيَا لَهَا سَمَرُ  
فرشتگان مجلس آرای جشن سالروز تولد او بودند و حوریان بهشتی در بهشت برین برایش داستانها می گفتند.

۱۷. تَزَوَّجَتْ فِي السَّمَاءِ بِالْمُرْتَضَى شَرْفًا / وَالشَّمْسُ يَقْرُنُهَا فِي الرُّبِّيَةِ الْقَمَرُ  
از روی شرافت عقد ازدواج او با حضرت علی (ع) در آسمان بسته شد و خورشید و ماه در کنار همدیگر قرین یکدیگر شدند.

۱۸. عَلَيَّ التُّبُوَّةُ أَضْفَتْ فِي مَرَاتِبِهَا / فَضَّلَ الْوِلَايَةَ لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ  
علاوه بر فضیلت اینکه دختر پیامبر (ص) است، فضیلت ولایتش بر درجات او افزوده است و به طوری است که نه چیزی را باقی می گذارد و نه رها می کند. (یعنی بر همه چیز احاطه دارد).

۱۹. أُمُّ الْأَيْمَةِ مَنْ طَوَّعًا لِرُغْبَتِهِمْ / يَغْلُوا الْقَضَاءُ بِنَا أَوْ يَنْزِلُ الْقَدَرُ  
او مادر امامانی است که به خاطر اطاعت از خواسته آنان، قضا و قدر الهی برای ما تغییر می کند.

۲۰. قُفَّ يَا يَزَاعِي عَنْ مَدْحِ الْبَثُولِ فَفِي / مَدِيحِهَا تَهْتَفُ الْأَلْوَاخُ وَالرُّبُرُ  
ای قلم آهسته تر باش و از نگارش مدح زهرا (س) اندکی توقف کن؛ زیرا که همه کتابها و دفترها زبان به مدح و ثنای او گشوده اند.

۲۱. وَأَرْجِعْ لِنَسْتَحْبِرِ التَّارِيخَ عَنْ نَبَأٍ / قَدْ فَاجَأْنَا بِهِ الْأَنْبَاءُ وَالنَّبِيرُ  
و بازگرد تا از تاریخ در مورد خبری پرس و جو کنیم که اخبار و سرگذشت های رسیده از ناگواری آن به ما خبر داده اند.

۲۲. هَلْ أَشَقَطَ الْقَوْمُ ضَرْبًا حَمَلَهَا فَهَوَتْ / تَنْقُ مِمَّا بِهَا وَالضَّلْعُ مُنْكَسِرُ  
آیا واقعاً آن مردم بر اثر کتک زدن، کودک او را سقط کرده و [بر اثر فشاری که به او وارد شد] به زمین افتاد و پهلویش شکست؟

۲۳. وَهَلْ كَمَا قَبِيلَ قَادُوا بَعْلَهَا فَعَدَتْ / وَرَأَهُ نَادِبَةً وَالذَّمْعُ مُنْهَمِرُ  
و آیا همان طور که نقل شده آنها شوهرش را به زور کشاندند و او هم گریه کنان به دنبال شوهرش می دوید و اشک می ریخت؟

۲۴. إِنْ كَانَ حَقًّا فَإِنَّ الْقَوْمَ قَدْ مَرُّوا / عَنْ دِينِهِمْ وَبَشْرِعِ الْمُصْطَفَى كَفَرُوا  
اگر این خبرها راست باشد، پس به راستی که آن قوم از دین خدا خارج شده و به شریعت مصطفی (ص) کافر گشته اند.

#### قصاید و مقطعات شاعر در مشاهد مشرفه

همان طور که ذکر شد، قصاید و مقطعاتی از دیوان اهل بیت (علیهم السلام) زینت بخش مشاهد مشرفه قرار گرفته اند که در ادامه به معرفی و ذکر ابیاتی چند از هر کدام پرداخته می شود.

#### قصیده باب الخلود روی درب طلای صحن مطهر علوی (علیه السلام)

شاعرایبات زیر را در ضمن قصیده ای تحت عنوان «باب الخلود» در ۱۴ بیت در جمادی الثانی سال ۱۳۷۲ هجری سروده است که هفت بیت آن زینت بخش درب طلایی ورودی صحن مطهر علوی است و با خط زیبای ثلث پیرامون آن نگاشته شده است:

طَاطِيءِ الرَّأْسِ فَهَوَّ بَابُ الْخُلُودِ      وَاحْشِيعِ الطَّرْفِ فَهُوَ سُرُّ الْوَجُودِ  
 وَتَجَرَّدَ عَنِ الْعَلَانِقِ إِنْ رُمْتَ      عُرُوجاً لِعَالَمِ التَّجْرِيدِ  
 وَاعْتَكِفَ فِي صَعِيدِهِ فَكُنُوزُال      سَوْحِي مَخْبُوءَةٌ بِهَذَا الصَّعِيدِ  
 مَدَخَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ اللَّهُ      بِهَا الْمُتَّقِينَ يَوْمَ الْوُزُودِ  
 هُوَ بَابُ اللَّهِ الْعَلِيِّ وَلَا تَعْرِجْ      رُوحَ لَهُ بِغَيْرِ الشُّجُودِ  
 فَاتَّئِدْ فِي الْمَسِيرِ فَالْمَالُ الْأَرْفَعُ      يَسْعَى لَهُ بِسَيْرٍ وَيُؤِيدِ  
 وَ وَفُودُ الْأَمَلِكِ مُذْ أَرَّخْتُهُ      «لَمْ تَنْزِلْ وَفَقّاً بِبَابِ الْخُلُودِ»<sup>۲۴</sup>

شاعر در مصراع آخر ماده تاریخ سرایش قصیده را در قالب همان نام قصیده آورده است، یعنی اگر حاصل جمع ابجد حروف مصراع آخر قصیده را حساب کنیم مساوی با ۱۳۷۲ می شود که همان تاریخ سرایش قصیده است.

#### ابیات پیرامون ساعت مطهر علوی

ابیات ذیل در سه بیت در ربیع الاول سال ۱۳۹۲ هجری سروده شده و در پیرامون ساعت بزرگ صحن مطهر علوی بر دیواره مقابل ایوان طلا نوشته شده است:

سَاعَةٌ تَنْتَمِي لِصَحْنِ عَلِيٍّ      قَدْ سَمَتْ زُفْعَةً وَطَالَتْ جَلَالاً  
 وَإِذَا اللَّيْلُ صَاحَبَ الشَّمْسِ أَمْسَى      يَتَلَأَلُ نُوراً وَ يَزْهُو جَمَالاً  
 وَ كَذَا حُبُّنَا لِإِلِّ عَلِيٍّ      سَيُكْبِي بِأُظْفِهِ الْأَعْمَالاً<sup>۲۵</sup>

#### قصیده «ضریحک»

این قصیده در تاریخ ماه شعبان سال ۱۳۸۳ هجری در ۲۱ بیت گفته شده و روی ضریح جدید مرقد مطهر حضرت عباس (علیه السلام) نوشته و نصب شده است. قابل توجه است که مصراع آخر قصیده ماده تاریخ سرایش قصیده (یعنی سال ۱۳۸۳ هجری) را نشان می دهد. این ابیات همگی به خط خوشنویس نامدار عراقی آقای دکتر روضان البهیه خوشنویسی شده و بر روی ضریح حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام) نوشته شده است:

صَرِيحُكَ مَفْرَعُنَا الْأَمْنَعُ      بِهِ كُلُّ نَازِلَةٍ تُدْفَعُ  
 وَ بَابُكَ لِلْخَلْقِ بَابُ التَّجَاةِ      تَلُودُ بِعُرْوَتِهِ الرُّوْعُ

۲۴. دیوان مع النبی و آله، ص ۱۰۰، ترجمه مختصر ابیات: سروچشمان خود را به نشانه خشوع پایین بینداز؛ زیرا که اینجا درب حرمی است که باب جاودانگی است و سرعالم وجود در آن قرار گرفته است / و اگر خواهان عروج به عالم تجرد هستی از علایق خود دست بشوی و آنها را رها کن / در پناه این حرم معتکف شو؛ زیرا که گنج های نور در این خاک نهفته است / این حرم دروازه ورود به بهشتی است که خداوند آن را در روز قیامت به متقیان وعده داده است / همانا علی (علیه السلام) باب الطاف و نعمات الهی است و هیچ روحی به جز از راه خشوع و سجود در برابر مقام او نمی تواند به بارگاه الهی عروج کند / پس در مسیر تشرف به حرم او آرام و آهسته گام بردار؛ زیرا فرشتگان و ساکنان ملائعالی نیز در هنگام تشرف به آستانش به آهستگی و نرمی قدم برمی دارند / و دسته دسته فرشتگان از زمانی که من تاریخ آن را ثبت کردم پیوسته بر در آستان مطهر او ایستاده و خدمتگزاری می کنند.

۲۵. دیوان مع النبی و آله، ص ۳۳۳، ترجمه مختصر ابیات: ساعتی که در صحن مطهر امیرالمؤمنین (علیه السلام) قرار دارد، به درستی که به سبب این انتساب بلندمرتبه و باشکوه گردیده است / در هنگام شب که خورشید غروب می کند، آن ساعت از خود نورافشانی کرده و زیبایی اش درخشیدن می گیرد / و این چنین است عشق ما به آل علی (علیه السلام) که به خاطر این حب، اعمال ما را به لطف خود پاک و پاکیزه خواهد گرداند.

أبا الفضل والفضل يُنمى إليك فأنت لألطافه منبَع  
 وَيَا بطل الطّف هَذَا لَوَاكْ عَلَى كُلِّ شَاهِقَةٍ يُرْفَعُ  
 وَ هَذَا حُسَامُكَ أَنْشُودَةٌ بِهَا يَنْتَشِي الْبَطْلُ الْأَزُوعُ  
 وَجُودُكَ وَالسَّهْمُ قَدْشُكَ فِيهِ شِعَارٌ لِعَلِيَّائِهِ تَخْشَعُ  
 وَ كَفَّكَ مَقْطُوعَتَا نَعْمَةٍ بِهَا كُلُّ مَكْرَمَةٍ تُسَجُّعُ  
 وَرَأْسُكَ يُرْفَعُ فَوْقَ الْفَنَاءِ هُوَالشَّمْسُ فِي أَفْقِهَا تَسْطَعُ  
 تَعَالَيْتَ مِنْ مَجْمَعٍ لِلجَلَالِ عَوَالِي الْجَمَالِ بِهِ تُجْمَعُ  
 وَقَدَّسَتْ مِنْ شَاهِدٍ لِلإِخَاءِ بِذِكْرِهِ أَدْمَعْنَا تَهْمَعُ  
 صَرِيحُكَ كَعَبَّةٌ وَفِدَا الْوَلَاءِ إِلَيْهِ قَوَائِلُهُ تَسْرَعُ  
 لِشِيَعَتِكَ فِيهِ يعلُو الْأَيْنِ لَكُمْ وَ تَسِيلُ بِهِ الْأَدْمَعُ  
 لَقَدْ حَاوَلْتِ أَنْ تَنَالِ الْخُلُودَ بِهِ هَمَمٌ فِي الْوَلَاءِ وَضَعُ  
 وَأَنْ تَقْرُنَ الشَّمْسَ فِي مَجْدِهَا وَ طَالِعُهَا أَسْنَعُ أَسْفَعُ  
 فَهَبَّ إِلَيْهَا وِلَاءُ الْحَكِيمِ وَ تَارَ كَمَا عَصَفَتْ زَعْرَعُ  
 وَ سَفَّهُ أَحْلَامَهَا، فَانْجَلِي بِاشْعَاعِهِ جَوْهَا الْمَفْرَعُ  
 وَ رَدَّ إِلَى شِيَعَةِ الْمُرْتَضَى كَرَامَتِهَا حُكْمَهُ الْأَرْفَعُ  
 وَدَامَ عَلَى الدِّينِ وَ الْمُسْلِمِينَ ظِلَالًا إِلَيْهِ الْمُئْتَى تَفْرَعُ  
 وَ حَازَ الْخُلُودَ سَمِيَّ الْخَلِيلِ بِمَجْدٍ سَمَا أَفْقَهُ الْأَوْسَعُ  
 أَصَافُ لِتَارِيخِ أَجْدَادِهِ سُطُورًا كَشَمْسِ الضُّحَى تَلْمَعُ  
 وَقَدْ سَجَّلَ الْوَحْيُ تَارِيخَهُ: « صَرِيحُكَ إِنْ سَاءَ هَ الْمَفْرَعُ »<sup>٢٦</sup>

٢٦. دیوان مع النبي وآله، ص ٢٤٥، ترجمه مختصر ابیات: صریح تو پناهگاه امن ماست که به وسیله آن هر پیشامد ناگواری دفع می شود / و بارگاه تو برای مردم باب نجات است که خائفان به ریسمان آن چنگ می زنند / ای ابا الفضل، به درستی که فضل و بزرگواری به تو منسوب است و تو منبع الطاف آن هستی / ای قهرمان کربلا این پرچم توست که بر روی هر قله بلندی برافراشته و در اهتزاز است / و این شمشیر برکشیده توست که قهرمان شگفتی همچون توبه وسیله آن استخوان های دشمنش را خرد می کند / وجود شریفت و تبری که بر آن وارد آمده همانند لباسی است که روی بدن بزرگوارت خشوع می کند / و دو دست بریده تو همانند دو نغمه ای است که گویای هر مکرمت و بزرگی است / و سرت که بالای نیزه بالا رفته است همچو خورشیدی است که در افق پرتو افشانی می کند / برای رسیدن به جلال، از گروهی بالاتر رفتی که زیبایی های گرانها در آن جمع شده بود / و به عنوان شاهدهی برای برادری، مقدس شدی به گونه ای که از یادآوری آن اشک های ما سرازیر می شود / صریح تو کعبه اهل وفا و محبت است که کاروان و قافله های شوق به سوی آن شتابان در حرکت اند / شیعیان تو در حرمت صدای گریه و ناله خود را بلند و اشک های خود را سرازیر می کنند / به درستی که توبه وسیله همت بلندت در راه محبت قصد جاودانگی داشتی / و قصد داشتی تا در رفعت و بزرگی هم رتبه خورشید گردی و در طالع بلند مرتبه و درخشان او قرار گیری / پس دوستی و محبت پروردگار به سوی آن وزیدن گرفت و همچو بادی سخت و عصبانگر انتقام گرفت / و عقول آنها را زایل کرد و با انوار درخشانش فضای ترسناک آنجا روشن و منور ساخت / و حکم والای پروردگار، کرامت و بزرگواری را به شیعیان حضرت علی مرتضی (علیه السلام) بازگرداند / و سایه ای را بر سراسر اسلام و مسلمین ادامه داد که آرزوها در پرتو آن محقق می شوند / و همنام ابراهیم خلیل به درجه ای از جاودانگی و بلند مرتبگی رسید که از آسمان پهناور برتر و بالاتر بود / من به تاریخ اجداد او سطرهایی را اضافه می کنم که مانند خورشید می درخشند / و به تحقیق که وحی، تاریخ آن را این گونه ثبت کرد که «پناه ما همواره کنار صریح توست، اگر سایر پناهگاه ها ناگوار باشد».

اشعار روی سنگ قبر مطهر حضرت ابوالفضل (علیه السلام)

اشعاری از قصیده ۱۹ بیتی شاعرا بعنوان «أیها الصخرة» زینت بخش سنگی است که داخل ضریح مطهر حضرت عباس (علیه السلام) و روی قبر شریفش قرار داده شده است. این قصیده در قافیه همزه بوده و در ربیع الاول سال ۱۳۸۴ هجری خطاب به این سنگ سروده شده که ابیاتی از آن به عنوان نمونه ذکر می شود.

طاولی قُبَّةَ السَّمَاءِ إِعْتِلَاءًا	وَ اكْسِفِي الشَّمْسَ رَفْعَةً وَ اجْتِلَاءًا
أَنْتِ لِلْخُلْدِ صَخْرَةٌ أَثْبَتْتِهَا	قُوَّةَ الْحَقِّ فِي الْحَيَاةِ بِنَاءًا
فِيكَ كَنْزُ الْإِيمَانِ طَلَسَمَهُ	اللَّهُ فَضَاعَتِ فِيهِ الْقُرُونُ هَبَاءًا
بَطَّلَ الظَّفِ فِيكَ وَ الطَّفُ أَفْقُ	جَاوَزَ الأفقَ أَنْجَمًا وَ سَمَاءًا
هَاهُنَا قَدْ نَسَوَى أَبُو الْفَضْلِ دُنْيَا	تَسَحَّرَ الرُّوحَ رَوْعَةً وَ صَفَاءًا
وَ الْيَدَانِ الْمُقْطُوعَتَانِ يُشِيرَانِ	لِمَعْنَى أَعْيَى الْحُرُوفِ أَدَاءًا
أَيُّهَا الصَّخْرَةُ الْعَظِيمَةُ بَاهِي	بُعْلَاهُ الْأَمْلَاقِ وَ الْأَنْبِيَاءِ <sup>۲۷</sup>

قصیده روی درب حرم حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام)

قصیده باینه «یا أبا الفضل» در ۲۶ بیت در محرم الحرام سال ۱۳۸۵ هجری سروده شده و در آن به محل ساخت درب طلای حرم مطهر یعنی شهر اصفهان اشاره شده است که ابیاتی از آن را با هم می خوانیم:

يَا أبا الْفَضْلِ أَنْتَ اللَّهُ بَابٌ	زُفَعْتَ لِلسَّمَاءِ مِنْكَ الْقِيَابُ
كَعْبَةُ الْمُؤْمِنِينَ حَجَّجْتَ إِلَيْهَا	عَاطِفَاتٍ، فِيهَا الْوِلْدَانُ مُدَابُ
وَ وُفُودُ الْأَمْلاكِ تَهْبِطُ شَوْقًا	لِمَقَامِ اللَّهِ فِيهِ إِقْتِرَابُ
كَمْ صَلَاةٍ لَلَّهِ تَعْرُجُ فِيهِ	وَ دُعَاءٍ فِي ظِلِّهِ يُسْتَجَابُ
أَنْتَ بَابُ الْحُسَيْنِ دُنْيَا وَ أُخْرَى	فَلَنْ مِنْكَ جِيئَةً وَ ذَهَابُ
أَنْتَ سِرُّ الْقَبُولِ فِي الْعَمَلِ الْمَقْبُولِ	لَا مَا قَامَتْ بِهِ الْإِتْعَابُ
فَتَحَّتْ لِلْجِنَانِ بِاسْمِكَ بَابًا	شَيْعَةَ الْحَقِّ، وَ الْوَسِيلَةَ بَابًا
صَنَعْتَهُ بِأَصْفَهَانَ فَأَمْسَى	تُحْفَةً يَحْتَفِي بِهَا الْإِعْجَابُ <sup>۲۸</sup>

۲۷. دیوان مع النبی و آله، ص ۲۴۷، ترجمه مختصر: با گنبد گردون در بلندی و رفعت رقابت کن و نور خورشید را از جهت رفعت و درخشندگی که داری بیوشان!

توسنگی هستی که نیروی پروردگار تو را برای جاودانگی در زندگی بنا نهاده است در تو گنج ایمانی نهفته است که خداوند آن را درون توجای داده و روزگاران گردوغبار تو را بخش کرده است ای سنگ، قهرمان کربلا زیر تو آرمیده است، در حالی که کربلا مانند آسمانی است که ستارگان و آسمان آن از فلک هم بترند پدر فضل و بزرگواری دنیا در اینجا آرمیده است که از نظر لطافت و صفا، روح را مسحور خود می کند و دو دست بریده اش به معنایی اشاره می کنند که حروف و کلمات از بیان و ادای آن عاجزند ای صخره بزرگ به خاطر بلندی رتبه صاحب خود بر فرشتگان و پیامبران مباهات کن.

۲۸. دیوان مع النبی و آله، ص ۲۴۹، ترجمه مختصر ابیات: ای ابوالفضل، تو یاب رسیدن به خدا هستی و گنبد و بارگاه تو سر به فلک کشیده است بارگاه تو کعبه مؤمنان است که سوار بر اسبان به سوی آن حج بجا می آورند و ولایت و محبت اهل بیت در آن ذوب شده و مجتمع است و گروه های فرشتگان مشتاقانه به سوی حرمت و مقامی که در آن جایگاه قرب خداست فرود می آیند چه بسیار نمازهایی که در حرمت به سوی آسمان بالا می رود و چه بسا دعاهایی که زیر گنبدت مستجاب می شود

### ابیات روی ضریح حضرت مسلم بن عقیل (علیه السلام)

ابیاتی که روی ضریح مطهر حضرت مسلم بن عقیل (علیه السلام) نوشته شده از قصیده میمیه‌ای با همین عنوان است که شاعر آن را در جمادی الأولى سال ۱۳۸۹ هجری در ۱۴ بیت سروده و هم اکنون زینت بخش ضریح مطهر شده است. برخی ابیات آن به شرح ذیل است:

زُرْ مُسْلِمًا إِنْ كُنْتَ حَقًّا مُسْلِمًا      فَالِدَيْنِ وَالْإِيمَانَ فِيهِ تَجَسَّسًا  
وَالثَّمَّ ضَرِيحًا صَمًّا أَقْدَسَ هَيْكَلٍ      لِلْحَقِّ فِيهِ الْأَرْضُ طَاوَلَتِ السَّمَاءَ  
حَرَمٌ يُجَابُ بِهِ الدُّعَاءُ وَتَنْجَلِي      فِيهِ الْكُرُوبُ وَيَنْمَحِي فِيهِ الْعَمَى  
تَنْزَلُ الْأَمَلَاءُ مِنْ مَلَكُوتِهَا      لِتَشْمَّ ثُرْبَةً سَاحَتِيهِ وَتَلْتَمَّا  
حَرَمٌ لَهُ عِنْدَ الْإِلَهِ مَكَاتَةٌ      أَضْحَى بِهَا مِنْ كُلِّ كَارِثَةٍ جَمَى  
كَمْ مِنْ سَقِيمٍ جَاءَهُ مُتَأَلِّمًا      وَ مَضَى مُعَافَى نَاعِمًا مُتَبَيِّسًا  
هَذَا الضَّرِيحُ وَ ذَاكَ رَمَزُ وِلَايَتِنَا      لَكَ فَهَوَّ أَضْحَى لِلْوَلَاءِ مُتَرَجِّمًا<sup>۲۹</sup>

### ابیات روی درب حرم مطهر حضرت زینب کبری (سلام الله علیها)

شاعر قصیده رانیه ۱۶ بیته خود را در نعت و بزرگداشت مقام والای حضرت زینب (س) در محرم سال ۱۳۸۷ هجری در ۱۶ بیت سروده است که هم اکنون زینت بخش درب ورودی حرم مطهر حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) در دمشق است. ابیاتی از آن به شرح ذیل است:

بَابُ الْبُطُولَاتِ فَالْثُمَّهُ وَقِفْ وَرُزْ      وَ اسْتَوِحِ رُوحَ الْعُلَامِ مِنْ جَوِّهِ الْعَطْرِ  
هِنَا الْقِدَاسَةُ فِي أَسْمَى مَرَاتِبِهَا      مَضُونَةٌ عَنِ يَدِ الْأَحَادِثِ وَالْغَيْرِ  
هِنَا لِزَيْنَبَ أَفُقٌ فِيهِ قَدْ أَلْقَتْ      الْأَوْهَاءَ كَأَثْلَاقِ الْأَنْجُمِ الرَّهْرِ  
بِنْتُ الْوَلَايَةِ بَلْ بِنْتُ التُّبُورَةِ مَنْ      سَمَّتْ بِأَمْجَادِهَا عَن عَالَمِ الْبَشَرِ  
أُخْتُ الْحُسَيْنِ الَّتِي سَارَتْ مُتَابِعَةً      خَطَاةَ فِي كُلِّ دَرْبٍ لِلْعَلَا خَطْرِ  
مَضَى الْحُسَيْنُ شَهِيدَ الْبَغْيِ وَ هِيَ      مَضَتْ سَبِيَّةً كَسَابَايَا الرُّومِ وَالْحَزَرِ  
صَلَّى الْإِلَهُ عَلَيْهَا مِنْ مُجَاهِدَةٍ      لِلْبَغْيِ بِالصَّبْرِ لَا بِالْبَيْضِ وَالشُّمْرِ<sup>۳۰</sup>

همانا تودر دنیا و آخرت باب ورود به بارگاه امام حسین (علیه السلام) هستی و آمدن و رفتن نزد او از طریق تو امکان پذیر است شیعیان حق و راستی، به نام تودر بهشت دربی باز کرده‌اند و آن را وسیله نجات و ورود به بهشت قرار داده‌اند دربی که آن را در اصفهان ساخته‌اند و همانا تحفه‌ای شده که شگفتی و اعجاب از آن به ارمغان می‌آید.

۲۹. دیوان مع النبی و آله، ص ۲۵۸، ترجمه مختصر ابیات: اگر به راستی مسلمان هستی ضریح حضرت مسلم بن عقیل (علیه السلام) را زیارت کن؛ زیرا که دین و ایمان در آن مجسم شده است

و ضریحی را ببوس که بیکری مقدس را در آغوش کشیده است و به راستی که زمین به خاطر آن به آسمان مفاخرت می‌کند حرمی که در آن دعا مستجاب می‌شود و غم و غصه‌ها در آن زائل شده و کور در آن بینا می‌شود فرشتگان از جایگاه کزوبی خود به سوی آن فرود می‌آیند تا بوی تربت آستانش را استشمام کنند و بر آن بوسه زنند حرمی که نزد خدا جایگاه بلندی دارد و به همین دلیل، پناهگاهی برای زودن همه غم و اندوه‌ها شده است چه بسیار بیمارانی که دردمندانه رو به سوی این حرم آمدند و سالم و شفایافته و خندان بازگشتند

این ضریح حضرت مسلم و رمز محبت و ولایت ما به اهل بیت (علیهم السلام) است که خود بهترین زبان گویا برای اظهار ولایت و محبت آنهاست. ۳۰. دیوان مع النبی و آله، ص ۲۶۴، ترجمه مختصر ابیات: اینجا بارگاه قهرمانی هاست، پس بایست و این آستانه را ببوس و زیارت کن و روح بزرگواری را از آستان معطروی بطلب

اینجا قداست و پاکی در اعلی مراتب خود قرار دارد که از دست حوادث زمان مصون و محفوظ مانده است

### مناسبات اجتماعي، ادبي و سياسي شاعر

همان طور که قبلاً اشاره شد، شاعر در طور اجتماع دارای مناسبات و روابط بسياري بوده و بخش اعظمي از ديوان وي به قصايدی اختصاص دارد که به مناسبت های اجتماعي يا برای دوستان و نزديکانش سروده است. به همین مناسبت برای تميم فائده به چند مورد از این مناسبات اشاره می شود تا خوانندگان گرامي در کنار آشنایی با ديوان مع النبي وآله (عليهم السلام)، با ديگر جنبه های اجتماعي، سياسي و ادبي شاعر آشنایی بيشتري پيدا کنند. به همین منظور ابتدا قصيده وي در رثای پروين اعتصامي از جلد يازدهم کتاب شعراء الغري ذکر شده و به چند مورد از ساير قصايد او که در بزرگداشت هزاره ابن سينا، دکتر محمد مصدق، هزاره ابوالعلاء معري و قصيده ای که برای ايران سروده است اشاره می شود.

### در رثای پروين اعتصامي

پروين اعتصامي را می توان یکی از بزرگ ترين زنان شاعر ايران ناميد و در دوران معاصر کمتر کسی از طبقه زنان به پای مقام ادبي و شاعري او می رسد. در یکی از سفرهای آيت الله سيد محمد جمال الهاشمي به ايران، وقتی ایشان در منزل یکی از تجار تهران اقامت داشتند، در یکی از شب ها به ایشان خبر می دهند که خانمی پشت درآمده و تقاضا دارد تا اندکی فرصت به او داده شود تا سؤالات ادبي و شعري خود را پرسد. اين خانم کسی جز بانو پروين اعتصامي نبوده و طبق نقل فرزند ارشد آيت الله الهاشمي به راقم اين سطور، اين جلسات در تمام مدت اقامت شاعر در ايران ادامه داشته و مرحومه پروين اعتصامي در اين جلسات به حل مشکلات شعري و ادبي خود و فراگرفتن رموز و فنون شعري ادبي فارسي و عربي نزد اين شاعر بزرگ اهتمام داشته اند.

از اين رو علاقه و رابطه ای بين ایشان و آيت الله سيد محمد جمال الهاشمي شکل می گيرد و بنا بر نقل اکبر ثبوت، در مجلسی در محضر علامه شيخ آقابزرگ تهراني در نجف سخن از سرقت ادبي به ميان می آيد و یکی از حاضران اظهار می دارد که برخی پروين اعتصامي را متهم کرده اند که اشعار ديگران را به نام خود ثبت کرده است. در پاسخ اين ادعا و در دفاع از مقام ادبي پروين، سيد محمد جمال الهاشمي و شيخ آقابزرگ تهراني، نکات متعددی را ياد آور می شوند<sup>۳۱</sup> که نمونه ای از دفاعيات شيخ آقابزرگ در الذريعة به صورت ذيل مسطور است:

وقال آيتي في «كشف الحيل» (ج ۲، ص ۶۸، ط ۳) إن أكثر ديوان «پروين اعتصامي» سرقات من ديوان رونق عليشاه، ولكن المعلم الحبيب آبادي والسيد محمد علي الروضاتي يصفهان قابلاً نسخة من ديوان رونق عليشاه فلم يجدا فيه [مصرعاً] ولا بيتاً يشابه ديوان پروين، و نسخة الديوان يصفهان يشتمل على حدود ۲۵۰۰ بيت.<sup>۳۲</sup>

پيرو همین ارتباط، پس از مرگ بانو پروين اعتصامي، سيد محمد جمال الهاشمي قصيده ای را در رثای اين بانوی شاعر فقيد می سرايد. اين قصيده برای نخستين بار به مناسبت اولين سالگرد درگذشت پروين اعتصامي در مجله الثقافة مصر منتشر شد و می توان گفت یکی از زيباترين و بهترين قصايدی است که در ستايش و رثای او گفته شده است. شاعر اين قصيده را در ۱۸ بيت سروده و «إلي حَمَامَةِ الْفَنِّ» ناميده که

۳۱. اينجا همانند آسمانی برای حضرت زينب است که نعم و مواهب پروردگار در آن همچو ستارگانی فروزان می درخشد او دختر ولایت بلکه دختر نبوت است و کسی است که به واسطه اجداد طاهر و بزرگوارش بر عالم بشریت برتری دارد او خواهر امام حسين (عليه السلام) است که در هر جایگاهی تابع برادر و بلند مرتبه بود

امام حسين (عليه السلام) شهيد راه ظلم و ستم شد ولی او اسيری شد مانند اسيران خارجي روم و خز درود خدا بر او باد و به واسطه مجاهداتی که نه با شمشير و نیزه بلکه با صبر خویش به منصف ظهور رساند.

۳۱. ترجمان رنج های محرومان، اکبر ثبوت، روزنامه اطلاعات، ۲۶ فروردين ۱۳۹۷.

۳۲. الذريعة الي تصانيف الشيعة، الشيخ آقابزرگ الطهراني، القسم الثاني من الجزء التاسع، ج ۹/۲، ص ۳۹۲، ذيل ديوان رونق.

متن آن از جلد یازدهم کتاب شعراء الغری، صفحات ۵۲-۵۱ ذکر می شود.

إِلَى حَمَامَةِ الْفَيْنِ

به کبوتر هنر، نابغه شرق و شاعره جاودان ایرانی، پروین اعتصامی، [با افسوس بر جوان مرگی او]

۱. زَفْرَفِي فِي الْخُلُودِ بَيْنَ طُيُورِهِ وَأَشْرِبِي مِنْ نَدَى الْجَمَالِ وَ نُورِهِ

بال هایت را در میان پرندگان بهشت جاودان بگشای و از شبنم زیبایی و شکوفه آن بنوش.

۲. وَأَعْيِدِي عَلَي الْكَوَاكِبِ شِعْرًا طَرِبَ الْكُوْنُ مِنْ رَقِيْقِ شِعْوَرِهِ

سرودی را برای ستارگان بازگوی که معنای لطیف آن، هستی را از طرب بی خود سازد.

۳. وَأَقْرَأِي دَفْتَرَ الْعَوَاطِفِ لِأَلَّا مُلَاكُ فَالْتَّيْحَرُ كَامِنٌ فِي سَطْوَرِهِ

[شعری از] دفتر عواطف برای فرشتگان بخوان که در سطر سطر آن جادوها نهفته است.

۴. رِيْشَةُ الْفَيْنِ دَبَّجَتْهُ بِلَوْنِ فَتَنِ الْعَاطِفَاتِ فِي تَحْيِيْرِهِ

دفتری که قلمی بس هنرمندانه آن را آراسته، با رنگی که عاطفه ها شیفته و فریفته زیبایی آن می شوند.

۵. وَ تَجَلَّلَتْ آيَاتُهُ بَيِّنَاتٍ أَمَّنَ الْعَارِفُونَ فِي دَسْتُوْرِهِ

نشانه های آن، چنان آشکارا تجلی نمود که عارفان به عظمت آن ایمان آوردند.

۶. آيَةُ الْمَرْأَةِ الْأَدِيبَةِ فِي الشَّرِّ قِ وَرَمَزُ الشَّرْقِيِّ فِي تَفْكِيرِهِ

[پروین اعتصامی] بزرگ بانوی ادیب مشرق زمین و راز تفکر خاوری در اندیشه او بود.

۷. أَظْهَرَتْ فِتْنَةَ الْأَنْوَاثِ فِي مَعْنِي يُحَاوِرُ الْجِبَالَ فِي تَفْسِيْرِهِ

دلربایی زنانه را در چنان معنایی به نمایش گذاشت که مردان در تفسیر آن به سرگردانی و حیرت افتادند.

۸. حَرْتٌ فِي فِكْرِكِ الْخَصِيْبِ وَ مَا جَا ءَ بِهِ لِلْعُقُولِ فِي تَصْوِيْرِهِ

از اندیشه پربار تو و از آنچه برای خردمندان آورد و تصویر کرد، در شگفتم.

۹. أَمْعَانِي الْحَيَاةَ وَ هِيَ مَحِيْطٌ غَرِقَ الْكُوْنُ ظَامِئًا فِي نَمِيْرِهِ

ای شناگر اقیانوس زندگی که در آب گوارای خود همه را تشنه غرق کردی!

۱۰. كَيْفَ صَوَّرْتَ كُنْهَهَا بِتَشْيِيْدٍ سَاحِرٍ فِي أَوْزَانِهِ وَ بُحُوْرِهِ

چگونه عمق و ژرفای زندگی را با سرودی که وزن و آهنگی سحرانگیز داشت، ترسیم کردی؟

۱۱. وَقَفَّتْ دُونَ ذَاكَ فَلَسَفَةُ الْيُوْرِ نَانَ حِيْرِي تَصْغِي السِّي تَقْرِيْرِهِ

که فیلسوفان یونان در برابر آن حیرت زده می ایستند و گوش دل به آن می سپارند؟

\*\*\*



۱۲. زَهْرَةُ الْفُرْسِ لَيْتَ شِعْرِي أَيْبِكِي رَوْضُ إِيرَانَ فَقَدْ أَذْكَى زُهُورَهُ

ای شکوفه ایران، کاش می دانستم که آیا گلزار ایران، در اندوه افسردنِ خوبترین غنچه هایش گریست یا نه؟

۱۳. قَدْ تَمْشِي الذَّبُولُ فِيكَ وَأَيَا رَطْرِي فِي حَسَنِهِ وَعَيْبِرِهِ

تو هنگامی پژمردی که بهار دل انگیز فرارسیده و هوا همه جا عطر افشانی می کرد. (اشاره به درگذشت پروین در فروردین ماه)

۱۴. رَبَّةَ الْفَرْعِ عَرَّأَنَّ يُفْقِدُ الْفَرْعُ لُبَاباً قَدْ لَاحَ بَيْنَ قُشُورِهِ

ای رب النوع هنر، چه ناگوار است برهنر که با مرگ توجان خود را از کف داده و جزمشتی پوست برایش نمانده.

۱۵. جَذَبْتُنَا أَنْعَامُ عُودِكَ حَتَّى مَسَاكِرْنَا عَلَى سَيِّئِ تَزْمِيرِهِ

نغمه های ساز تو چنان دل و جان ما را ربوده که جز به آهنگ آن سرمست نمی شویم.

۱۶. وَ بَقِينَا فِي عَالَمِ الْأَمَلِ السَّاءِ حِرَّ نَلْهُو بِرَوْضِهِ وَ عَدِيرِهِ

در جهان آرزوهای جادویی، با گلزار و جویبار سروده هایت، سرگرم و از خود بی خود مانده ایم.

۱۷. وَ صَحْوُنَا عَلَى نَعْيِكَ نَسْتَمْطِئُ أَجْفَانَنَا بِشُؤْمِ نَذِيرِهِ

خبر ناگوار مرگت بیدارمان کرد تا از این حادثه نافرخنده، باران اشک را از دیده فروباریم.

۱۸. فَوَدَاعاً قِيَّارَةَ الشِّعْرِ فَالْأَذْ عَامٌ تَبْقِي فِي الدَّهْرِ طَيِّ عَصُورِهِ

بدرود ای ساز خوش آهنگ شعر! پس همانا که نغمات و سروده های روح پرور تو جاودانه در فراخنای روزگاران بر صفحه گیتی پایدار خواهد ماند.<sup>۳۳</sup>

### مناسبات اجتماعی و سیاسی

علاوه بر مطالبی که ذکر آن گذشت شاعر مناسبات اجتماعی فراوانی داشته که از آن میان به چند مورد اشاره می شود. برای مثال شیخ علی خاقانی صاحب شعراء الغری قصیده ای طولانی برای بزرگداشت هزاره ابن سینا تحت عنوان «ذکری الرئيس» را از سید محمد جمال الهاشمی آورده که مطلع آن این است:

صداک یخترق الأجيال والحُقبَا لیغمر العصر فی أمواجه عجا<sup>۳۴</sup>

همچنین وی قصیده ای با عنوان «تحية الدماء» دارد که در پی نهضت دکتر محمد مصدق و بزرگداشت آن سروده و مطلعش این است:

سکر الشرق من رحيقك و جدأ وتهاديت إيران فخرأ و مجدأ<sup>۳۵</sup>

۳۳. ترجمه ابیات از آقای اکبر ثبوت، با اندکی تصرف.

۳۴. شعراء الغری، ج ۱۱، ص ۲۳، ترجمه بیت: آوازه تو نسل ها و زمان ها را دنوردیده و به همه جا رسیده تا همه مردم جهان را در امواج شگفتی های خود فروبرد.

۳۵. شعراء الغری، ج ۱۱، ص ۳۶ ترجمه بیت: مشرق زمین را از شراب ناب خود سرمست کن و به وجد بیاور و برای ایران افتخار و بزرگی را به ارمغان بیاور.

شاعر قصیده «العقل الجبار» را به مناسبت برگزاری هزاره ابی العلاء المعری سروده و مطلع آن این است:

نَظَرْتُ فِيكَ الْأَعَاصِرُ شَزْزاً      تَمَعْنُ الْفِكْرُ فِيهِ لُبّاً وَ قَشْرًا<sup>۳۶</sup>

و در اثنای آن می گوید:

مُؤْمِنٌ كَافِرٌ وَلَمْ نَرَعْظَلًا      جَمَعَ الْمَبْدَأَيْنِ دِينًا وَ كُفْرًا

فَدَيَّرِي الشَّرْفِي الْمَبَادِيءِ      خَيْرًا وَ يَرَى الْخَيْرَ فِي التَّنَائِيحِ شَرًّا<sup>۳۷</sup>

آیت‌الله هاشمی گلپایگانی قصیده‌ای برای ایران سروده و در آن از عشق خود به این مرزبوم سخن گفته و بعضی کوه‌ها را در آن نام می‌برد، قصیده وی با عنوان «إلى إيران»<sup>۳۸</sup> بیت دارد و مطلع و برخی ابیات آن برای نمونه ذکر می‌شود:

إلى إيران سار القلب يصطاف مع الحبِّ      فَرِقُفًا يَا بَنَّةَ التَّارِيخِ بِي، لَا تَسْجِئِي قَلْبِي

إلى إيران سار القلب حيثُ العالم الأكبر      وَ حَيْثُ الْأَرْضِ حَيْثُ الْأَفْقِ كُلِّ مِنْهُمَا يَسْحَرُ

تَجِيَّاتِي إِلَى أَلْوَنَدِ ذَاكَ الْجَبَلِ الْأَزْهَرِ      وَ مِنْ تَارِيخِهِ الْأَبْيَضِ وَ مِنْ مَنْظَرِهِ أَنْضَرًا<sup>۳۸</sup>

#### خاتمه

این مقاله در پی آن بود که در کنار معرفی دیوان مع‌النبی و آله (علیهم السلام) و ذکر چند قصیده از آن برای نمونه، به ابعاد ادبی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شخصیت شاعر، یعنی آیت‌الله سید محمد جمال الهاشمی بپردازد. آنچه پس از بررسی اشعار وی به دست می‌آید، قدرت بالای شعری و توانایی شاعر در بدیهه‌سرایی است که در جای جای تذکرها و زندگی‌نامه‌های مربوط به وی مضبوط است. همچنین بنا بر نقل فرزند ارشد ایشان، حضرت حجت‌الاسلام سید حسن هاشمی گلپایگانی برای نویسنده، تعداد دوابین شعری و مخطوطات باقی‌مانده از ایشان بسیار زیاد و پرشمار است، ولی متأسفانه تاکنون جز مواردی که در متن مقاله یاد شده، آثار دیگری از ایشان به چاپ نرسیده است. می‌توان گفت با عنایت به کثرت روابط و علاقات اجتماعی شاعر و سفرهای مکرر وی به ایران، اشعار و قصاید مناسبی وی می‌تواند بازتاب بسیار گویایی از اوضاع اجتماعی، فرهنگی و جو مذهبی و عقیدتی حاکم بر آن زمان در دو کشور عراق و بعضاً ایران باشد. بنابراین اهتمام پژوهشگران به احیا و چاپ این اشعار و دوابین نه تنها اقدامی برای احیاء تراث اسلامی و شیعی است، بلکه تلاشی روشن‌گرانه برای فهم صحیح افکار و اندیشه‌های حاکم در جامعه شیعه عراق و ایران در زمان شاعر و درک مناسبات بین روحانیون و مراجع با ادبا و دانشگاهیان و سایر طبقات مردم است.

امید است آنچه در این مقاله گردآمده مورد توجه ارباب ادب و فضیلت قرار گرفته باشد.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

۳۶. شعراء الغری، ج ۱۱، ص ۴۲، ترجمه بیت: معاصرانت در توبه چشم کراهت نگر نیستند، در حالی که توبا مغز و پوست و همه قوای خود درباره چیزی فکر خود را به کار می‌گیری.

۳۷. ابوالعلاء معری یک مؤمن [به ظاهراً] کافر است و ما هرگز هیچ عقلی را ندیده‌ایم که بین دو مبدأ دین و کفر را توأمان با هم جمع کرده باشد [حکیمی است] که شزرا در آغاز خیر و خیر را در نتایج شز می‌داند.

۳۸. شعراء الغری، ج ۱۱، ص ۵۵-۵۴ ترجمه ابیات: تقدیم به ایران که قلب [من] با عشق به میهمانی آن می‌رود

پس ای دختر [زیبای] تاریخ کمی با من مهربان‌تر باش و قلبم را نشکن

به ایران! جایی که قلبم به سوی دنیایی بزرگ‌تر سیر می‌کند، جایی که هم زمین و هم آسمانش سحرانگیز است و روح مرا شگفت زده می‌کند درود و تحیات من به کوه الوند این کوه زیبا و سلام و درود من به تاریخ درخشان و چشم‌انداز چشم‌نواز و سحرانگیزش.